

دکتر هرولد تیلر

برخی تحولات در علوم اجتماعی

دکتر هرولد تیلر **Dr. Harold Taylor** رئیس سابق کالج سالارانس، استاد فلسفه دانشگاه ویسکانسین آمریکا، مشاور آقای ادلای استیونسن در سازمان ملل متحد در زمینه های فرهنگی و اجتماعی اخیراً برای مدتی در ایران توقف کردند. خلاصه نطق ایشان در ذیل که برای انجمن فارغ التحصیلان دانشگاههای آمریکا در هتل ونک در روز سهشنبه سوم بهمن ایراد شد حاوی نکات جالبی است که ممکن است مورد توجه علاقمندان به علوم اجتماعی قرارگیرد.

مجله مسائل ایران

مهمترین تحول در علوم اجتماعی در ایالات متحده آمریکا عبارتست از استفاده روزافزون از آن علوم برای حل مسائل ملی و بین المللی و تاسیس مراکز و موسسات پژوهشی هم در داخل دانشگاههای بزرگ و هم در ردیف آنها. در جنگ جهانی دوم فعالیت جامعه روشنفکر در زمینه های علوم ملی و اجتماعی برای عده ای از پروژه ها از پژوهش مربوط به انتخاب خدمه زیر دریائی ها گرفته تا اختراع بمب اتمی بکار افتاد و کارشناسان علوم اجتماعی بررسیهایی را آغاز کردند که از مطالعات نظامی بسیار مهمتر بود. مثلاً بررسی خصال ژاپونی ها و نسبت آن با تمدن ژاپونی بوسیله ردت- بندیکت - بررسی رفتار انسان در رزم بوسیله ساموئل استاوئر - مطالعاتی درباره نیروی انسانی از حیث استعداد های قابل دسترس و احتیاجات جدید به این نیرو برای دانشمندان - کارشناسان فنی - زبان شناسان و غیره. جنگ اثر مهمی بر جامعه پژوهشی داشت و درسهائی که در آن هنگام آموخته شد. مثلاً در تاسیس کمیته مشاوره علمی - موسسه ملی علوم - موسسه ملی بهداشت روانی - قانون آموزش و پرورش برای دفاع ملی (برای تربیت زبان شناسان - مشاوران فرهنگی - معلمان و دانشمندان) بکار رفت. موسسات مختلف مخصوصاً بنیاد فورد مبالغ زیادی برای پژوهش های مربوط به علوم رفتاری یعنی روانشناسی - انسان شناسی و جامعه شناسی تخصیص داده اند.

ما اکنون دارای آن چیزی هستیم که کلارک کر رئیس دانشگاه کالیفرنیا «صنعت دانش» می نامد. این صنعت دانشهای مفید را بایک بودجه ۱۷ بیلیون دلاری که از تمام منابع ملت از عمومی گرفته تا خصوصی تأمین میشود ایجاد میکند و اشاعه میدهد.

این موضوع اثر قابل ملاحظه‌ای در سیستم آموزش و پرورش کشور خود جامعه داشته است.

۱ - فعالیت محققان و دانشمندان را از وظایف تدریسی خود در دانشگاه بجهت دیگری معطوف داشته و این موضوع به زبان آموزش و پرورش دانشجویان دانشگاه تمام شده است.

۲ - دانشمندان علوم اجتماعی را در تماس مستقیم با ادارات دولتی قرار داده است. این تماس در زمان پرزیدنت‌گندی آغاز شد و بمقیاس وسیعتری در زمان پرزیدنت جانسن که چهارده گروه مطالعاتی تشکیل داده است ادامه یافت. از جمله این گروهها میتوان چندتا را نام برد که با این مسائل سروکار دارند: امور شهرهای بزرگ - سیاست خارجی - سیاست اقتصادی - آموزش و پرورش - روابط پولی - تجدید سازمان دستگاههای دولتی - کارهای مربوط به بهداشت - حمل و نقل - کشاورزی و غیره.

۳ - توجه عموم را به کار علمای اجتماعی در زمینه صلح و خلع سلاح جلب کرده است.

۴ - از طریق موسسه «زندگ پریشن» و گروههای پژوهشی نظیر آن که با سازمانهای نظامی قرارداد دارند استعدادهای پژوهشی در علوم اجتماعی را به کار روی مسائل سوق الجیشی نظامی معطوف داشته است.

۵ - در آمریکا درباره مسیر امور سیاسی و اجتماعی وجدان ذاتی بزرگتری از طریق این موسسات بوجود آورده است: انستیتوهای پژوهش عقاید عمومی - مثلا دفتر پژوهشهای اجتماعی عملی در دانشگاه کلمبیا - مرکز بررسی عقاید عمومی «دنور» - مرکز پژوهشهای ارزیابی در دانشگاه میشیگان و مرکز پژوهش عقاید ملی در دانشگاه شیکاگو.

۶ - اهمیت پژوهشهای دسته‌جمعی بوسیله گروههای ۶ تا ۱۲ نفری را بجای تحقیقات پژوهشگران انفرادی آشکار کرده است.

تا حد کمتری همین جریان را میتوان در بریتانیا در وزارت علوم دولت کارگری آن کشور یافت که در آن سرچارلز اسنو شخصیت برجسته‌ای است و همچنین در مطالعات محققان انگلیسی درباره رشد اقتصادی و اجتماعی.

از این جریان و نیز از تاسیس واحدهای پژوهش برای طرح برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی در سازمان ملل متحد - در انستیتوی پژوهش و آموزش سازمان ملل متحد - در بررسیهای معمول از طرف یونسکو - در انستیتوی مشترک انریش و یونسکو برای پژوهشهای اجتماعی که مرکز آن وین است میتوان به سودمندی علوم اجتماعی در طرح راه حل‌های جدید برای مسائل ملی و بین‌المللی پی برد.

برخی از رشته‌های پژوهش در آمریکا که تازه و نوید بخش هستند بشرح زیر میباشند:

۱ - پژوهش درباره مسائل صلح و جنگ . مثلا کنت بولدینگ و امیل بنوا روی تبدیل اقتصاد آمریکا از بکار بردن آن در امور دفاعی به استفاده از آن در اقتصاد زمان صلح مصرف کننده کار میکنند . مسائل خلق سلاح و حفظ صلح - مطالعات کیلبرت وایت در ناحیه رود مکننگ در جنوب شرقی آسیا که لائوس - کامبوج و کشورهای مجاور میتوانند در آن با تشریک مساعی و اجرای یک طرح چند جانبه احتیاجات خود را از حیث نیروی برق و جلوگیری از سیل رفع کنند .

۲ - پژوهش درباره مسائل مربوط به فقر و مبارزه با آن . این پژوهش در ارتباط با برنامه مبارزه با فقر پرزیدنت جانسن اجرا میشود و مربوط است به ارتباط میان آموزش و پرورش - محیط اجتماعی - تعدیل شرایط فرهنگی و علاج فقر .

۳ - رشد شخصیت در اطفال - مخصوصا در سنین پیش از مدرسه در کودکانها

۴ - پژوهش درباره ارتباط شرایط اجتماعی با بهداشت روانی و جسمانی .

۵ - پژوهش درباره مسائل آموزش و پرورش در ارتباط با دانش آموزان و گروههای دانش آموز با استفاده از روشهای فنی جامعهشناسی - انسانشناسی و روانشناسی بجای شیوههای کهن تر پژوهش آموزشی و پرورشی .

تغییر مهمی که در بیست و پنج سال گذشته حاصل شده این بوده است که علوم اجتماعی را در وضعی قرار دهند که بمنزله آلتی برای استفاده از عقل انسان جهت حل مسائل عملی بشر با علوم طبیعی قابل مقایسه باشد . ما اکنون ممکن است در این باره نگران شویم که شاید به این طریق تقریباً تمام مغزهای متفکر به علوم اجتماعی و طبیعی تخصیص داده شوند و فقط عده کمی از این مغزها برای فلسفه - هنر و علوم انسانی باقی بمانند . اما این موضوع دیگری است .

عجالتاً ما می توانیم با مزایائی که بدست آورده ایم راضی باشیم و اطمینان حاصل کنیم که تقاضا برای دانش اجتماعی بیشتر ادامه خواهد یافت و ما سریعاً در حال ایجاد علم یا جامعههای هستیم که میتواند با تقاضای های جدید مقابله کند و مردم جهان در آینده بیش از پیش از ثمرات پژوهش های اجتماعی بهره مند خواهند شد .

در پایان سخنرانی آقای دکتر تیلر یکی از مدعوین مسئله جالب ذیل را مطرح کرد که پاسخ بان برای علاقمندان بمسائل ایران حائز اهمیت فراوان است .

- در آمریکا طبقه روشنفکر INTELLECTUEL تلاش فراوانی کرده تا مسائل عامه مردم را حل کند و تا حدود زیادی نیز موفقیت بدست آورده است ولی در ایران بین هوشمندان و عامه مردم فاصله و شکاف بسیار زیادی موجود است . آیا ممکن است بفرمائید چگونه میتوان این خلاء را پر کرد ؟

با اظهار معذرت از مدعوین اجازه میخوام ابتدا چند کلمه ای

درباره خود بیان کنم . من تحصیلات خود را در سیستم فرهنگی انگلستان تمام کرده ام . وقتی از دانشگاه لندن فارغ التحصیل شدم برای مدتی خود را از مردم بدور میدیدم ولی بالاخره بخود آمدم و معتقد شدم تنها ملاک آزمایش برای اینکه آیا شخصی روشنفکر هست یا نه اینستکه آیا وی معلومات و فهم خود را قابل استفاده برای مردم میسازد یا خیر . این توده مردم هستند که باید درباره آن شخص اظهار نظر کند . اگر افراد روشنفکر معلومات و فهم خود را در اختیار مردم نگذارند و با آنها نیامیزند و خود را از آنها جدا سازند در حقیقت بوظیفه خود عمل نکرده اند و جامعه حق دارد که آن افراد را طفیلی انگارد . وقتی که خود روشنفکر بمیان مردم میرود و با مسائل آنها پنجه نرم میکند متوجه میشود که مردم عادی اگر چه از فنون و معلومات وی بی بهره اند ولی چه بسا که دارای هوش و استعداد های نشکفته ای هستند . در کشور شما مخصوصاً بسیاری از افراد هستند که فرصت نداشته اند هوش و ذکاوت خود را بمنصه ظهور برسانند ولی محقاً باین افراد باید کمک نمود که بدنیای جالب اندیشه ها راه یابند . این وظیفه خطیر شما است که خود را ب مردم نزدیک نمائید و با راهنمایی و ارشاد آنها فاصله موجود را از بین بردارید .

پایان



شعبه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جاب علوم انسانی